
درآمدی بر تاریخ شفاهی زنان افغان

پیمانہ صالحی

نویسنده و پژوهشگر تاریخ شفاهی، کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

Email: peymaneh.slh@gmail.com

■ چکیده

توسعه، تنها در ارتباط با تولید ناخالص ملی و سطح درآمد سرانه سنجیده نمی‌شود، بلکه مشارکت همگانی افراد، به‌خصوص زنان نیز بر این فرایند مؤثر است. در این راستا، تعامل و رفتار جامعه نسبت به زنان، از شاخص‌های مهم توسعه سیاسی و اجتماعی در یک کشور محسوب می‌شود. همین نحوه برخورد، شرایط را برای حضور فعال و مؤثر زنان و بهره‌گیری از قدرت، تفکر، ابداع و خلاقیت آن‌ها فراهم می‌نماید. زنان افغان در یکصد سال اخیر به دلیل شرایط جنگی و ایجاد بحران‌هایی متعدد با مسائل و محدودیت‌هایی رو به رو بوده‌اند؛ ضمن اینکه جامعه سنتی افغانستان نیز پذیرای مشارکت اجتماعی زنان نیست. بر این مبنای، توجه به تاریخ‌نگاری زنان افغان با بهره‌مندی از روش پژوهشی تاریخ شفاهی، راهگشای محققان تاریخ زنان خواهد بود. نوشتار پیش رو، ضمن مروری اجمالی بر وضعیت حقوق زنان افغان در دوران معاصر با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای، طرح‌های تاریخ شفاهی زنان افغان را نیز بررسی می‌کند. تأکید بر توجه ویژه نسبت به انجام مصاحبه‌های تاریخ شفاهی به‌منظور ثبت و ضبط تاریخ زنان افغان، هدف غایی این پژوهش است.

■ کلیدواژه‌ها: تاریخ شفاهی، زنان افغان، مصاحبه، حقوق زنان، تاریخ زنان

مقدمه

زنان از سرمایه‌های با ارزش در کشورهای در حال توسعه محسوب می‌شوند. آنان به‌عنوان نیمی از جمعیت، در پیشرفت همه‌جانبه جوامع، نقشی بسیار مؤثر ایفا می‌کنند؛ بنابراین شاخص سنجش برنامه‌های توسعه در هر کشور نیز باید بر مبنای مشارکت آن‌ها باشد. سال‌های پایانی قرن بیستم را می‌توان دوران توجه روز افزون به مسائل زنان در کشورهای غربی دانست. در این برهه زمانی، تحولات اساسی در شرایط زنان در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی رخ داد. به‌رغم ارتقای وضعیت زنان در اروپا و آمریکا، همچنان اکثریتی شایان توجه از زنان در سراسر جهان از حقوق انسانی خود برخوردار نیستند و انواع خشونت‌ها بر آنان تحمیل می‌شود.

زنان افغان به‌دلیل درگیری کشورشان در جنگ‌های مختلف در طول تاریخ، قربانی برنامه‌های سیاستمداران و نیز زخم‌خورده از فرهنگ سنتی اجدادشان بوده‌اند. آنان افغانستان تا پیش از سال ۱۲۹۸ش. در هیچ عرصه‌ای مشارکت نداشتند. در دوران زمامداری امان‌الله خان، به دلیل اصلاحات او و همسرش، برخی از محدودیت‌های زنان برداشته شد و امکان ادامه تحصیل برای‌شان فراهم گردید. دوره ترقی‌خواهی با حاکمیت یافتن امیرحبیب‌الله در ۱۳۰۸ش. به بن‌بست رسید. پس از آن با روی کار آمدن محمدداوود خان، برنامه‌های اصلاحات، پیگیری و اولین گام‌های مشارکت سیاسی زنان پی‌ریزی شد. با کودتای نورمحمد تره‌کی و چندی بعد با تهاجم نظامی اتحاد جماهیر شوروی، آزادی‌هایی به زنان داده شد. با بروز جنگ‌های داخلی و در پی آن با تسلط طالبان در ۱۳۷۱ش. زنان افغان، دوران تاریکی را تجربه کردند. طالبان، قوانینی خاص را با نام شریعت و اسلام به زنان تحمیل کردند و آنان را از ابتدایی‌ترین حقوق انسانی‌شان محروم ساختند. سال ۱۳۸۰ش. رژیم طالبان با حمله ائتلاف بین‌المللی به رهبری آمریکا از هم پاشید. در این دوره، روش‌هایی به‌منظور رفع تبعیض علیه زنان اندیشیده شد و آن‌ها به مجالس سنا و جمهوری راه یافتند. با تسلط مجدد طالبان در ۱۴۰۰ش. زنان از حق تحصیل و کار محروم شدند و آینده‌شان در هاله‌ای از ابهام فرو رفت. در طول تاریخ پُر فراز و نشیب این کشور در یکصد سال اخیر، زنان

افغانستان همواره به‌دنبال دستیابی به جایگاه اجتماعی خود بوده‌اند. تا کنون تعدادی طرح تاریخ شفاهی زنان در افغانستان اجرا شده، ولی کافی نیست. لازم است تاریخ زنان این کشور در دهه‌های مختلف با بهره‌مندی از روش پژوهشی تاریخ شفاهی ثبت و ضبط گردد، و تاریخ روزهای بحران کشور مزبور با نگاه زنانه به تصویر کشیده شود. مستندسازی تجربیات زنان از این سال‌های پُراشتهاب، آینده‌ی زنان افغان را نمایان می‌سازد؛ زانی که با چنگ و دندان در جست و جوی زندگی بهتری بوده‌اند. این نوشتار در پی پاسخ به پرسش‌های زیر است:

- زنان افغان در یکصد سال اخیر از چه حقوقی برخوردار بوده‌اند؟
 - تاریخ شفاهی زنان افغان چه نقشی در ثبت و ضبط تاریخ زنان دارد؟
 - طرح‌های تاریخ شفاهی زنان چه ویژگی‌هایی دارد؟
 - چشم‌اندازهای پیش‌روی تاریخ شفاهی زنان افغان چه مواردی را شامل می‌شود؟
- در دهه‌های اخیر، برخی از جنبه‌های وضعیت زنان افغان توسط مورخان، جامعه‌شناسان و پژوهشگران مطالعات زنان با ابزارهای متفاوت بررسی شده که به برخی از این موارد اشاره می‌شود:
- نانسی دوپر^۱ (۱۳۷۷) در کتاب *زنان افغان تحت حکومت طالبان*، وضعیت زنان را پس از شکست اتحاد جماهیر شوروی در افغانستان بررسی کرده است.
- سارا کاشانی (۱۳۷۷) در مقاله‌ای با عنوان «نقض حقوق زنان در افغانستان» به محدودیت‌های زنان در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ میلادی پرداخته است.
- هما احمد گوش (۲۰۰۳/م/۱۳۸۲ش) در مقاله‌ای با عنوان «تاریخ زنان در افغانستان»، بر اساس منابع مکتوب و مصاحبه‌های تاریخ شفاهی، بر روی تاریخ‌نگاری زنان افغان متمرکز شده است.
- فاطمه صادقی (۱۳۸۴) در مقاله‌ای با عنوان «سیاست برقع: زنان افغان پیش و پس از طالبان»، به حجاب و پوشش زنان در دهه‌های اخیر پرداخته است.
- سید نورالدین علوی و سید علی ضیاء (۱۳۸۸) در کتابی با عنوان *زن، شریعت، جنسیت*، ضرورت بررسی وضعیت زنان افغان را در دهه‌های اخیر به چالش کشیده است.
- فائزه توکلی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «نقض حقوق زنان افغان در دوران

معاصر»، ضرورت مشارکت اجتماعی زنان افغان را بررسی کرده است. حلیمه حسینی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «وضعیت زنان افغانستان از بی‌عدالتی تا رسیدن به عدالت جنسیتی»، تبعیض و خشونت علیه زنان را واکاوی کرده است. مجتبی مقصودی و ساحره غلّه‌دار (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «مشارکت سیاسی زنان افغانستان در ساختار جدید قدرت پس از حادثه ۱۱ سپتامبر»، موقعیت زنان افغان را پس از سال ۱۳۸۰ ش. مورد موشکافی قرار داده‌اند. در طرحی با عنوان «مثل پرنده‌ای با بال‌های شکسته» (۲۰۱۳ م. / ۱۳۹۲ ش.) که از سوی دفتر زنان سازمان ملل متحد در افغانستان اجرا شده، در مصاحبه با تعدادی از زنان افغان، تجربه‌های آنان مستندسازی شده است. ویلیام برد^۲ (۲۰۱۴ م. / ۱۳۹۳ ش.) در طرحی به نام «فرصت در بحران» که با همکاری انستیتو صلح آمریکا به اجرا درآورد، حقوق زنان افغان را در فواصل سال‌های ۲۰۰۲-۲۰۱۴ میلادی بررسی کرده است. در طرحی با عنوان «جایی صحبت می‌کنیم که دیگران ساکت باشند» (۲۰۱۵ م. / ۱۳۹۴ ش.) که توسط یک سازمان مستقل و غیردولتی نروژی به اجرا درآمده، با زنان افغان در سنین مختلف مصاحبه شده است. مهدی عباس عباس‌زاده فتح‌آبادی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «نقش زنان در فرایندهای مربوط به صلح در عصر جهانی شدن»، بر جایگاه زنان افغان در ایجاد صلح پایدار تأکید کرده است.

زنان افغان در گذر تاریخ

به اعتقاد بسیاری از حقوق‌دانان، «حقوق زنان» همان «حقوق بشر» است که در واقع از حقوق بشر تفکیک‌ناپذیر بوده، و اسناد و تعهدات بین‌المللی در زمینه مذکور نیز کاملاً قابل تسری به حقوق زنان است. اسناد بین‌المللی حقوق بشر - فارغ از جنسیت - در رابطه با حقوق انسان‌ها و در راستای بیان تساوی همه مردم اعم از زن و مرد است (و ثوقی، ۱۳۸۹: ۱۹)، ضمن اینکه حقوق بشر مربوط به زنان، بخش جدایی‌ناپذیر حقوق بشر عام است. زنان به لحاظ جنسیت، نیازمند حقوق ویژه خویش‌اند؛ بنابراین در

تعریف حقوق زن، هم باید حقوقی را به دلیل انسان بودنشان گنجانند. و هم حقوقی را که مختص به جنس زن است، گنجانند. به‌طور کلی، حقوق زن عبارت است از «حقوقی که زن به لحاظ انسان بودن و به لحاظ زن بودن، یعنی جنسیت او، برای زندگی انسانی بدان نیازمند است» (شایگان، ۱۳۷۴: ۵۷۱).

افغانستان کشوری است که برای مدت‌هایی مدید درگیر جنگ بوده و زنان به‌عنوان نیمی از جمعیت، قربانی تبعات آن بوده‌اند. اگر به حقوق زنان افغان، شایسته و بایسته توجه می‌شد، چه بسا پیشرفت و توسعه‌ای همه‌جانبه در ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در جامعه افغانستان رخ می‌داد. در این پژوهش، وضعیت زنان افغان در سه دوره یکصد سال اخیر، حکومت امان‌الله خان تا تهاجم شوروی (۱۲۹۸-۱۳۶۸)، سقوط نجیب‌الله و دوران طالبان (۱۳۶۹-۱۳۷۹) و ۱۱ سپتامبر و سقوط طالبان (۱۳۸۰-۱۴۰۰) مرور می‌شود.

حکومت امان‌الله خان تا تهاجم شوروی (۱۲۹۸-۱۳۶۸)

از شکل‌گیری کشور افغانستان تا هنگامه به قدرت رسیدن امان‌الله خان، زنان در اجتماع مشارکت نداشتند و حتی از انظار عمومی نیز غایب بودند. سال ۱۲۹۸ ش. امان‌الله خان با هدف اجرای اصلاحات، قدرت را به دست گرفت و بدین‌شکل جایگاه‌شان کمی تغییر کرد. یکی از مهم‌ترین محورهای اصلاحات او، تأمین برابری حقوق زن و مرد بود. در این دوره، «انجمن نسوان» تشکیل شد و امکان تحصیل برای زنان فراهم گردید. تا پیش از آن، تنها زنان مرفه و خانواده سلطنتی امکان تحصیل داشتند. برنامه مدرن‌سازی افغانستان که در دوران حکومت امان‌الله خان (۱۲۹۸-۱۳۰۸) پیگیری شد، با واکنش سران قبایل افغان مواجه گردید و به شکست انجامید (حسینی، ۱۳۹۰: ۱۴۹).

در دوران حکومت حبیب‌الله شاه که دو ماه دوام یافت، اصلاحات متوقف شد و پس از آن در دوران محمدنادر شاه، با تصویب برخی قوانین، با انجام اصلاحات مخالفت شد و زنان مکلف به حجاب گردیده و از آموزش منع شدند. در دوران محمدظاهر شاه، نخستین گام‌ها برای برپایی نظام مشروطه برداشته شد، و چهار زن به مجلس شورا راه یافتند با به قدرت رسیدن داوودخان، نظام مشروطه ملغی گردید، ولی اصلاحات زمان

امان‌الله خان مجدد پیگیری شد. سال ۱۳۲۹ش. نخستین گروه زنانِ افغان به سازمان ملل متحد راه یافتند، و در ۱۳۳۴ش. نیز از حق رأی برخوردار شدند (عباس‌زاده فتح‌آبادی؛ عمرانی؛ عسکری حصن، ۱۳۹۶: ۹).

با کودتای نورمحمد تره‌کی و معاونش ببرک کارمل که گرایش‌های کمونیستی داشتند، قوانینی از سوی «شورای انقلاب جمهوری دموکراتیک افغانستان» تصویب شد که مقطعی مهم برای زنان محسوب می‌شود. برخی از اصلاحات این دوره عبارتند از: ملغی کردن رسوم سنتی ازدواج، ممنوعیت پوشیدن برقع، تحصیلات اجباری برای دختران و حق رأی زنان. چندی بعد با تهاجم نظامی شوروی به افغانستان، به مدت ده سال (۱۳۵۸-۱۳۶۸)، جنگ داخلی گسترده‌ای ایجاد شد (Human Rights, 2003).

سقوط نجیب‌الله و دوران طالبان (۱۳۶۹-۱۳۷۹)

سال ۱۳۶۹ش. در پی خروج نیروهای شوروی و قطع کمک‌های این کشور، حکومت افغانستان که آن زمان بر عهده نجیب‌الله بود، ضعیف شد و سقوط کرد. پس از آن جنگ‌های داخلی (۱۳۷۱-۱۳۷۷) میان مجموعه‌ای از نیروهای افغانی از سر گرفته شد. بیشترین واکنش‌ها در مقابل اصلاحات دولت‌های چپ‌گرا در ارتباط با زنان، توسط اسلام‌گرایان یا مجاهدین اعمال شد؛ آنان مخالف تحصیل و کار بیرون از خانه زنان بودند (صادقی، ۱۳۸۴: ۱۷۵).

در دوران جنگ‌های داخلی، طالبان به رهبری ملا عمر به قدرت رسیدند و با به‌کارگیری زور، شلاق و سرنیزه، پنج‌سال با نام «امارت اسلامی» حکومت کردند. زمامداری طالبان، تاریک‌ترین دوران تاریخ افغانستان بود و زنان از ابتدایی‌ترین حقوق خود محروم بودند. آنان همانند اعراب دوره جاهلیت به زنان نگاه می‌کردند. از سیاست‌های اعمال‌شده در این دوره نسبت به زنان، می‌توان این موارد را برشمرد: ممنوعیت از تحصیل، اشتغال، گشت و گذار و خرید، و نیز منع از کار در مؤسسات خیریه و امداد خارجی، حتی با چادر (مقصودی؛ غله‌دار، ۱۳۹۰: ۸۹).

۱۱ سپتامبر و سقوط طالبان (۱۳۸۰-۱۴۰۰)

پس از حوادث ۱۱ سپتامبر^۳ سال ۲۰۰۱ در آمریکا، رژیم طالبان با حمله ائتلاف

بین‌المللی به رهبری آمریکا از هم پاشید. از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۳ ش. حامد کرزی و از آن تاریخ تا ۱۴۰۰ ش. اشرف غنی رئیس‌جمهور افغانستان بود. در این دوران، گام‌هایی مؤثر برای حذف محدودیت‌هایی که طالبان برای زنان ایجاد کرده بودند، برداشته شد. افغانستان به کنوانسیون محو تبعیض علیه زنان ملحق شد و در سال ۱۳۶۸ ش. نیز وزارت امور زنان، طرح تساوی حقوق زنان و مردان را محقق کرد. از تحولات این دوره می‌توان موارد ذیل را ذکر کرد: دستیابی زنان به فرصت‌های آموزشی، به رسمیت شناختن جایگاه و حقوق زنان در سیاست، ورزش و ...؛ همچنین ۶۸ زن به‌عنوان نماینده به مجلس شورا و ۲۳ زن به مجلس سنا راه یافتند (طالبی، ۱۳۹۱).

تاریخ شفاهی

تاریخ شفاهی، تکنیک پژوهشی نوینی برای وارد کردن تمام افراد یک جامعه در ساختن تاریخ خودشان و درک انتقادی از گذشته است. این روش، گونه‌ای از تاریخ‌نگاری حال است که برخلاف زندگینامه نویسی، بر مصاحبه استوار است. اصطلاح تاریخ شفاهی در یک معنا به فرایند انجام مصاحبه با مردم توجه دارد، و در معنای دیگر، محصول همان مصاحبه است که در قالب گزارش روایی از رویدادهای گذشته متجلی می‌شود؛ در واقع هم شیوه‌ای پژوهشی و هم ماحصل فرایند پژوهش است (Ross, 1993).

تاریخ شفاهی در مسیر تکامل خود در آمریکا و اروپا، چند دوره را پیموده است. این تکنیک در دهه ۱۹۴۰ میلادی و پس از اختراع ضبط صوت، در دانشگاه کلمبیا پدید آمد. مصاحبه‌های این دوره بر پایه نخبه‌گرایی بود. دوره دوم از دهه ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۵ را در بر می‌گیرد که به طبقات کارگر، زنان و مهاجران می‌پردازد. دوره سوم در دهه ۱۹۸۰ شکل گرفت که عصر آرشئوسازی تاریخ شفاهی نام گرفت. دوره چهارم که نیمه اول دهه ۱۹۹۰ را شامل می‌شود، عصر رقمی‌سازی منابع تاریخ شفاهی است. در دوره پنجم که از نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ آغاز شده و تا زمان حاضر را در بر می‌گیرد، تاریخ شفاهی جایگاهی بین‌رشته‌ای پیدا کرد و علوم مختلف از آن بهره جستند (کاظمی؛ خسروبیگی، ۱۳۹۵: ۱۱).

توجه به تاریخ شفاهی زنان از اوایل دهه ۱۹۷۰ آغاز شد، زمانی که مجله تاریخ زنان^۴، چهار مقاله با موضوع پژوهش‌های میدانی در حوزه کار زنان در شهرهای صنعتی انگلستان منتشر کرد. ثبت و ضبط تجربه‌های زنان با بهره‌مندی از تاریخ شفاهی با تمرکز بر «خود» زنان و نزدیک کردن روایت‌های شخصی آنان به روایت جمعی بود (Bornat; Diamon, 2007: 32).

در پنج دهه اخیر، تدوین تاریخ زنان با استناد به چشم‌اندازهای تاریخ شفاهی در حوزه‌های سیاست، فرهنگ و اقتصاد در اروپا و آمریکا به‌طور جدی دنبال می‌شود. مراکز دانشگاهی، بنیادهای مطالعات زنان، مراکز فرهنگ عامه، کتابخانه‌ها و پژوهشکده‌های تاریخ اجتماعی در کشورهای مختلف، در انعکاس خاطرات و گفته‌های زنان می‌کوشند. آنان تلاش می‌کنند با شناسایی رویکردهای روش‌شناختی و تحلیلی، مشکلات شنیدن صدای زنان را مرتفع نمایند (Cluck, 2006: 10).

تاریخ شفاهی زنان افغان

اجرای طرح‌های تاریخ شفاهی زنان با تمرکز بر ثبت وقایع جنگ و اثرات آن بر زنان در دوران جنگ و پس از آن در مواجهه با مشکلات آن، در کشورهای مختلف گردآوری شده است. گیال برایون^۵ و پنی سامرفیلد^۶ از نخستین پژوهشگرانی بودند که به بررسی اثرات جنگ جهانی اول و دوم بر روی زنان پرداختند؛ البته خاطرات ضبط شده از زنانی که در نقش‌های مختلف در جنگ جهانی دوم حضور داشتند، به مراتب بیشتر از روایت‌های جنگ جهانی اول است.

در ادامه، سه طرح گردآوری شده بر مبنای مصاحبه‌های تاریخ شفاهی با زنان افغان بررسی می‌شود. این طرح‌ها به قرار ذیل است: «تاریخ زنان افغان»، «مثل پرنده‌ای با بال‌های شکسته»^۷، و «جایی صحبت می‌کنیم که دیگران ساکت باشند» (For the Taliban's, 2002).

تاریخ زنان افغان^۸

مجله مطالعات بین‌المللی زنان^۹، سال ۲۰۰۳م. / ۱۳۸۲ش. مقاله‌ای را با عنوان «تاریخ زنان افغان»^{۱۰} به قلم هما احمدگوش، منتشر کرد که بر اساس مصاحبه با زنان تدوین

شده بود. نویسنده در این مطالعه میدانی بر آن است تا ضمن به تصویر کشیدن وضعیت زنان افغان در دوران معاصر، بر این نکته تأکید کند که مسائل زنان در افغانستان، بخشی جدایی‌ناپذیر از مصالح ملی به شمار می‌رود. از جمله موضوعاتی که در این مقاله با ذکر مصادیق آن از لابلای مصاحبه‌ها استخراج شده، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- روند ترقی‌خواهی و حمایت از زنان در افغانستان در دوره‌هایی تا حدودی بهبود یافته بود.
- تفکر رؤسای قبایل در شهرهای مختلف افغانستان، نقشی بسیار مهم در محصور نگه داشتن زنان افغان دارد.
- تغییر فرهنگ خانواده‌ها نسبت به حضور زنان در همه عرصه‌ها بر کمک‌های سازمان‌های خارجی ارجحیت دارد.
- در صورت تأمین امنیت پایدار، این زنان افغان هستند که آینده این کشور را تعالی می‌بخشند.
- ایجاد یک دولت مرکزی قوی می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد شرایط بهتر برای زنان باشد (Ahmad- Ghosh, 2003).

مثل پرندهای با بال‌های شکسته^{۱۱}

«مثل پرندهای با بال‌های شکسته»، عنوان طرحی است که سال ۲۰۱۳ م. / ۱۳۹۲ ش. از سوی دفتر زنان سازمان ملل متحد در افغانستان در شهرهای هرات، کابل، قندهار، دایکندی، بلخ و جوزجان با حمایت مالی هلند و نروژ به اجرا درآمد. یافته‌های مستخرج از این پژوهش، به صورت کتابی با همین عنوان منتشر شده است. در این طرح با ۱۶۰ زن در سنین مختلف مصاحبه شده است؛ البته برای مصاحبه با ۴۰۰ زن برنامه‌ریزی شده بود که بسیاری از آن‌ها از ترس و عدم اعتماد به مجریان طرح، حاضر به مصاحبه نشدند (Like a bird, 2013).

طرح ذکرشده بر مستندسازی تجربیات زنان افغان در فواصل سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۷ ش. با تمرکز بر منعکس کردن خاطرات زنانی که در تاریخ‌نگاری رسمی جایی

ندارند، متمرکز است؛ البته به دلیل عدم رضایت راویان، نام بسیاری از آنان منتشر نشده است. مصاحبه‌گران از میان زنان داوطلب افغان و غیر افغان انتخاب شده‌اند تا بتوانند ارتباط مناسبی با مصاحبه‌شوندگان برقرار کنند. بعضی از مصاحبه‌ها به صورت فردی و برخی به صورت گروهی در فضای خانواده صورت پذیرفته است. هدف اصلی این طرح، پی بردن به دلایل اعمال ظلم بر زنان افغان است؛ ظلمی که ریشه در فرهنگ سنتی افغانستان دارد و از طریق طالبان به آن رسمیت بخشیده شد.

زنان سالخورده از آزادی‌های نسبی در دوران حکومت امان‌الله خان و اصلاحات آن زمان سخن گفته‌اند؛ همچنین دوران تسلط جمهوری دموکراتیک افغانستان و حمایت شوروی از آن را مرور کرده‌اند. جنگ‌های داخلی و سیاست‌های کمونیستی آن دوران در میان روایت‌ها به چشم می‌خورد. زنان در آن زمان همسران‌شان را که جزو مجاهدین بودند، بدرقه می‌کردند تا از مردم و کشورشان دفاع کنند.

بیشترین روایت‌ها مربوط به دوران حکومت طالبان است که بیشترین ظلم و بی‌عدالتی نسبت به زنان اعمال شد. آنان از ازدواج اجباری در سنین پایین و داستان‌های مربوط به ربودن دختران از مدارس و انواع خشونت‌های جنسی و جسمی سخن گفته‌اند. اینکه با اجرای احکام بیرحمانه، به بردگی جنسی واداشته و به ازدواج اجباری با سربازان طالبان محکوم شدند. یادآوری آن دوران، راویان را به شدت متأثر می‌کرد و بسیاری از آنان به دلیل اینکه طاقت مرور رنج و درد عمیق دوران سیاه طالبان را نداشتند، از ذکر جزئیات وقایع صرف‌نظر کردند. در مجموع، حدود نیمی از مصاحبه‌شوندگان به دلیل خشونت‌های جنسی، دچار افسردگی شده بودند (Afghan women, 2015).

زنان با شور و شوق از علاقه به ادامه تحصیل، کار بیرون از خانه، ورزش و تفریح گفته‌اند و اینکه محرومیت از این علایق، سرنوشت آنان را تغییر داده است. شماری از زنان جوان با امید به بهبود شرایط فرهنگی در آینده، در پی دستیابی به جایگاهی برابر با مردان هستند. زنان شجاع افغان در طول تاریخ این کشور همواره برای مشارکت در اجتماع تلاش کرده‌اند. آنان اذعان می‌کنند که با وجود پیشرفت‌هایی که در حقوق زنان پس از سال ۲۰۰۱م. / ۱۳۸۰ش. به دست آمد، همچنان خشونت، بخش جدایی‌ناپذیر زندگی بسیاری از زنان است، چون فرهنگ سنتی خانواده‌ها پذیرای

اصلاحات نیست، و عرف و قوانین قبیله‌ای بر قوانین رسمی برتری دارد. آنان باور دارند که در افغانستان، جانیان و ظالمان از مجازات مصون هستند و زنان در صورت شکایت و پیگیری مطالبات‌شان از خانواده طرد می‌شوند.

جایی صحبت می‌کنیم که دیگران ساکت باشند^{۱۲}

«جایی صحبت می‌کنیم که دیگران ساکت باشند»، عنوان طرحی است که از سوی یک سازمان مستقل غیرانتفاعی نروژی و با مدیریت آستری سورک^{۱۳} در سال ۲۰۱۵م. / ۱۳۹۴ ش. اجرا شد. نتایج حاصل از این پژوهش به صورت کتاب منتشر شده است. این طرح در راستای کمک به ارتقای وضعیت زنان افغان صورت پذیرفته است. در طرح ذکر شده، هم با زنان افغان و هم با زنانی که برای مدتی در این کشور کار می‌کردند، مصاحبه شده است؛ از جمله زنان امدادگر و فعالان حقوق زنان در افغانستان. شماری از زنان افغان ترجیح دادند که هویت خود را آشکار نکنند و ناشناس باقی بمانند. هدف غائی مجریان طرح، یافتن پاسخی برای سؤالات زیر است:

- کمک سازمان‌های بین‌المللی تا چه حد به بهبود شرایط زنان افغان کمک کرده است؟
- آیا حمایت‌های مؤسسات بشردوستانه می‌تواند موجب امنیت اجتماعی زنان در بلند مدت شود؟
- ایجاد شرایط پایدار برای زنان افغان در گرو حل کدام مسائل است؟
- چگونه می‌توان جامعه سنتی افغانستان را با روند اصلاحات و حضور فعال زنان در اجتماع همراه کرد؟
- آیا سپردن مشاغل کلیدی به زنان، صلح و امنیت را برای آینده افغانستان به ارمغان می‌آورد؟
- زنان جوان تا چه حد به تغییرات پایدار امیدوارند و آینده افغانستان را چگونه می‌بینند؟

پژوهشگران در این طرح، بر مبنای روایت‌های زنان، اثرات برنامه‌های حمایتی را که در فواصل سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۵ توسط نهادهای بین‌المللی اجرا شده، مورد موشکافی و بررسی قرار داده‌اند. زنان متفق‌القول بر این باورند که کمک‌های خارجی در

ارتقای شرایط زنان مفید نخواهد بود، مگر اینکه فرهنگ‌سازی به‌منظور اصلاحات صورت پذیرد تا جامعه و خانواده‌ها پذیرای مشارکت زنان باشند (Suhrke, 2015).

ضرورت‌های تاریخ شفاهی زنان افغان

پژوهش‌هایی که در زمینه تاریخ زنان صورت می‌پذیرد، نشان می‌دهد که زنان، هم تاریخ دارند و هم کنش‌گراند، و هم مستنداتی در این حوزه وجود دارد که می‌توان با استناد به آن‌ها، تاریخ زنان را به نگارش درآورد (فصیحی، ۱۳۹۸، ص ۳). ثبت و ضبط تاریخ زنان با بهره‌مندی از مصاحبه‌های تاریخ شفاهی در اروپا و آمریکا، داده‌هایی را پدید آورده که هم مکمل اسناد مکتوب‌اند و هم به‌عنوان منابعی جدید و منحصر به فرد، به جریان تاریخ‌نگاری یاری می‌رسانند. تاریخ شفاهی زنان با رویکردی جامعه‌گرا و مردمی، هم از سوی طرفداران حقوق زنان مورد توجه واقع شد و هم به‌عنوان گرایش بین‌رشته‌ای، از درون گروه‌های تاریخ، علوم اجتماعی و مطالعات زنان متولد شد و رشد کرد.

اکنون حقوق مشارکت و امنیت اجتماعی زنان افغان در حاله‌ای از ابهام فرو رفته است. جامعه سنتی و زن‌ستیز افغانستان و طالبان که حاکمان کنونی آن هستند، گمان می‌کنند که تساوی حقوق زن و مرد در این کشور، ایده‌ای غربی و بیگانه با فرهنگ آنان است. زنان افغان مصمم شده‌اند که همانند گذشته برای کسب جایگاه اجتماعی تلاش کنند و خواسته‌های برحق خود را مطرح نمایند. گذشت دهه‌های سرنوشت‌ساز در تاریخ زنان افغان، این فرصت را فراهم آورده تا آنان بتوانند راهکارهای مناسبی برای تغییر بیابند؛ هرچند ممکن است این تحولات با شرایط فعلی به کندی صورت پذیرد، اما به زعم کارشناسان، پایدار خواهد بود (فرصت در بحران، ۱۳۹۳).

با توجه به اینکه در سال‌های اخیر تعدادی انگشت‌شمار طرح تاریخ شفاهی زنان افغان به اجرا درآمده است، بایستی به گردآوری اطلاعات از روزن این روش پژوهشی اهمیاتی بیشتر نشان داد. توجه به نکات زیر، موجب ارتقای داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها می‌شود:

- از پژوهشگران دیگر کشورها برای تدوین تاریخ زنان افغان در یکصد سال اخیر کمک گرفته شود.

- سازمان‌های حقوق زنان، مؤسسه‌ای برای مدیریت اجرای طرح‌های تاریخ شفاهی تأسیس کنند؛
- پیش از اجرای طرح‌های تاریخ شفاهی، دوره‌های آموزشی برای همکاران طرح از جمله مصاحبه‌گران، پیاده‌سازان، تصویربرداران و ... اجرا شود.
- اگر مصاحبه‌گران از میان زنان افغان انتخاب شوند، می‌توانند ارتباطی مناسب‌تر با راویان برقرار کنند؛
- به مصاحبه‌شوندگان اطمینان داده شود که مصاحبه‌ها با رضایت و کسب اجازه از خودشان منتشر می‌شود.
- بهتر است ابتدا با زنانی که در ماه‌های اخیر پس از به قدرت رسیدن مجدد طالبان، افغانستان را ترک کرده‌اند، مصاحبه شود و پس از آن با زنان افغان مستقر در افغانستان؛
- با اعضای سازمان‌های حقوق زنان که در افغانستان فعالیت می‌کردند، مصاحبه شود؛
- با زنان خارجی که در افغانستان کار می‌کردند و پس از ورود طالبان به کشورهایشان بازگشتند، مصاحبه شود؛
- مصاحبه‌ها برای تدوین و پژوهش در اختیار مورخان تاریخ زنان قرار گیرد.

نتیجه‌گیری

- با توجه به مطالب مطرح شده در زمینه اهمیت اجرای طرح‌های تاریخ شفاهی در راستای ثبت تاریخ زنان افغان، نتایج زیر استنباط شد:
- تاکنون، تاریخ‌نگاری زنان افغان از وجوه مختلف مورد موشکافی واقع نشده است.
 - لازم است تاریخ شفاهی زنان از سوی اشخاص حقیقی یا حقوقی، به‌ویژه سازمان‌های غیردولتی مورد توجه واقع شود.
 - لازم است یک سازمان غیردولتی، مسئولیت گردآوری تاریخ شفاهی زنان افغان را عهده‌دار شود و مورخان را گرد هم آورد.
 - بهره‌مندی از تجربیات مجریان سایر طرح‌های تاریخ شفاهی زنان در جهان راهگشا خواهد بود.

پی نوشت

- (1) Nancy Doper
- (2) William Bred

(۳) حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ که در زبان انگلیسی نه یازده (۱۱/۹) خوانده می‌شود، سلسله‌ای از حملات تروریستی انتخاری بود که در آمریکا رخ داد. تروریست‌ها چهار هواپیمای مسافربری را ربودند که دو تای آن را به برج‌های دوقلوی مرکز تجارت جهانی در نیویورک کوبیدند و یکی به ساختمان پنتاگون در ویرجینیا برخورد کرد و چهارمی سرنگون شد. تمام مسافران این هواپیماها و عده زیادی از مردمی که در ساختمان‌ها مستقر بودند، کشته شدند (آلتون، ۱۳۸۵: ۳۴).

- (4) Women's History Review
- (5) Gial Beraybon
- (6) Penny Summerfield
- (7) Like a bird with broken wings
- (8) A History of women in Afghanistan
- (9) *Journal of International women's studies*
- (10) A History of women in Afghanistan
- (11) Un women Afghanistan country office in Kabul
- (12) We shall speak where others are silent?
- (13) Astri Suhrke

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- آلتون، احمد (۱۳۸۵). اسلام در دنیا قبل و بعد از رویداد ۱۱ سپتامبر، مترجم نایب قدرت گوجار. ارومیه: حسینی اصل.
- حسینی، حلیمه (۱۳۹۰). وضعیت زنان افغانستان از بی‌عدالتی تا رسیدن به عدالت جنسیتی. پژوهش‌های منطقه‌ای، دوره ۲، ش ۳ (پیاپی ۷)، پائیز: ۱۴۹.
- شایگان، فریده (۱۳۷۴). مفهوم مطلق حقوق زن. سیاست خارجی، دوره ۱، ش ۲: ۵۷۱.
- صادقی، فاطمه (۱۳۸۴). سیاست برقع: زنان افغان پیش و پس از طالبان. گفت و گو، دوره ۴، ش ۸ (پیاپی ۴۴): ۱۷۱.
- عباس‌زاده فتح‌آبادی، مهدی‌عباس؛ عمرانی، نیلوفر السادات؛ عسکری حصن، شهرام (۱۳۹۶). نقش زنان در فرایندهای مربوط به صلح در عصر جهانی شدن. سپهر سیاست، دوره ۵، ش ۱ (پیاپی ۱۵)، بهار: ۹.
- طالبی، معصومه (۱۳۹۰). وضعیت زنان افغانستان. بازیابی شده در ۱۵ آبان ۱۴۰۰، از <http://peace-ispssc.org>
- فرصت در بحران (۱۳۹۳). بازیابی شده در ۱۹ آبان ۱۴۰۰، از <http://prb.iauctb.ac.ir>
- فصیحی، سمین (۱۳۹۸). فرصتی برای آشنایی با تاریخ زنانه. ویژه‌نامه بیست‌سالگی انجمن زنان پژوهشگر تاریخ. روزنامه شرق، ۲۹ بهمن.
- کاظمی، محسن؛ خسروبیگی، هوشنگ (۱۳۹۵). تاریخ شفاهی. دو فصلنامه تاریخ شفاهی، دوره ۲، ش ۱ (پیاپی ۳)، بهار و تابستان: ۱۱.
- مقصودی، مجتبی؛ غله‌دار، ساحره (۱۳۹۰). مشارکت سیاسی زنان افغانستان در ساختار جدید قدرت پس از ۱۱ سپتامبر. پژوهش‌نامه روابط بین‌الملل، دوره ۴، ش ۱ (پیاپی ۱۷): ۸۹.
- وثوقی، پرستو (۱۳۸۹). حق زنان در احراز مناصب عمومی در چارچوب نظام حقوق بین‌الملل بشر و قوانین ایران (مطالعه تطبیقی). پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، رشته علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی.

- Afghan women Oral History (2015). Retrieved, from <http://cmi.no/publications>
- Ahmad- Ghosh, Homa (2003). A History of women in Afghanistan. *Journal of International women's studies*, Volum 4, N 3: 1-6.
- Cluck, Sherna Berge (2006). Oral History: Is it so special? In *Handbook of oral history*. Edited by Thomas L, Charlton Lois E. Altamira Press.
- For the Taliban's crimes: Abuses against Ethnic Pashtuns in Northern Afghanistan (2002). Retrieved, from <http://www.hrw.org/reports>
- Human Rights Abuses in Southeast Afghanistan (2003). Retrieved, from

- <http://www.hrw.org/sites>
- *Like a bird with broken wings: Afghan women Oral History* (2013). Kabul: Un women Afghanistan country office.
- Ross, Martha (1993). What is oral history? Retrieved, from <http://www.historymatters.gmu.edu>
- Suhrke, Astri (2015). *We shall speak where others are silent*. Noref: CHR. Michelsem Institute.

